



۲۰۱۶/۰۲/۲۳



نادرشاه سدوزی

بنیاد تجدد در جوامع صنعتی

برای شروع می‌خواهم از این دیدگاه مطلب خود را افاده نمایم و سؤالی که نزد من مطرح می‌گردد این است: آیا بدون پول امکان سعادت و موفقیت در زندگی میسر خواهد بود؟ چه جواب را می‌توان ارائه کرد؟ برای پاسخ به این سؤال می‌توان گفت، امکان دارد در نظام سرمایه داری که با اصل اقتصاد بازار آزاد بنیاد گذاری گردیده، تناقض های زیادی موجود باشد، مگر هر گاه در ماهیت این نظام دقت صورت گیرد مشاهده می‌گردد که در این جوامع متجدد نظام سرمایه داری صنعتی، هر یک از انسان ها در تب و تلاش خوشبختی و موفقیت شخصی خویش بوده که البته بدون دریافت پول این خوشبختی، سعادت و موفقیت در زندگی برای شان امکان پذیر نبوده و نمی‌باشد. به یاد می‌آید که حتی دانشمند بزرگوار ما "سعدی" در کتاب گلستان خویش چنین اظهار نموده اند: «امکان ندارد که در حالت پریشانی انسان بتواند به صورت شایسته آن عبادت نماید».

در واقع زندگی کردن جهت کسب سعادت و موفقیت برای خود، در جامعه را شروع تمدن جدید در مملکت های صنعتی پیشرفته تشکیل داده که بر اساس مفهوم فرد گرایی بنیاد گذاری گردیده است. تا اینکه هر یک از افراد مسؤولیت انفرادی خویش را در قبال زندگی خویش بدوش گرفته، در مقابل مشکلات پرُمشقت زندگی جانانه مجادله نمایند. این شیوه زندگی جدید با شیوه زندگی تمدن قدیم که به شکل گروهی و یا جمعی و یا قبیله وی آراسته بود آهسته آهسته نقش خویش را از دست داده و به عوض آن محور اصلی جامعه صنعتی پیشرفته را با تأکید فرد گرایی تشکیل داده است. بدین اساس با پیروی از این اصل فردگرایی، فرد به صورت آزاد، مستقل و خود مختار به بار آمده و در نتیجه مسؤولیت همه امور زندگی، البته با تکمیل سن قانونی که بدوش خود شخص بوده، هیچ کس حق ندارد در راهی پیشرفت، ترقی و خوشبختی وی سنگ اندازی نماید و او را از راهی که مطابق ذوق، علاقه و اراده خویش تعیین نموده منحرف بسازد. در واقعیت نمی‌توان از این امر چشم پوشی نمود که امروز در جهان پیشرفته اقتصادی معضله اساسی معضله دارا و نادار مطرح نبوده، بلکه معضله قوی و ضعف اراده انسان مطرح بحث می‌باشد. بنابراین با این تیوری برخورد می‌نمایم که هرگاه فردی متکی بخود نباشد چه طور می‌توان گفت که وی یک شخص قوی و دارای اراده مستقل می‌باشد. بدین اساس سبب بدبختی، ضعف و ناتوانی انسان تنها خودش مسؤول بوده و علتش هم این است، که وی متکی بخود نیست، از اراده خاص خود پیروی نکرده، پیرو افکار و نظریات دیگران می‌باشد. به همین نسبت اقتصاد بازار آزاد و یا نظام سرمایه داری انسان را متوجه این امر می‌سازد که اولتر از

همه انسان باید متوجه خود بود تا اینکه از حالت بطالت، تنبلی و عیاشی دست بردارد و برای کسب موفقیت در زندگی و خوشبختی خویش تلاش نماید.

می گویند در جامعه ای که حکومت استبدادی جای آزادی را بگیرد، آن جامعه دیگر پیشرفت نمی کند، نه ثروتش افزایش می یابد و نه قدرتش. ولی باید خاطر نشان ساخت که شغل دولت تجارت نیست. تجارت شغل اشخاص انفرادی است که مستقل از دولت ایفای وظیفه می نمایند. چنانکه «هایک» اقتصاد دان مشهور اتریشی دست اندازی دولت در امور اقتصادی و به خصوص سکتور خصوصی را مخل به آزادی می داند. به عقیده وی وظیفه دولت عبارت است از تأمین امنیت، اجرای قوانین و خدمتگزاری به مردم. بدین اساس سرمایه داری نظامی است که بر اساس رقابت آزاد تهادب گذاری گردیده تا اینکه استعداد و توانایی های انسان ها در جامعه رشد یابد و باعث پیشرفت اقتصاد در مملکت گردد. پایه اساسی در نظام سرمایه داری همین رقابت آزاد است. بدون بازار آزاد و رقابت سرمایه داری نقش اساسی خود را از دست داده و مبدل به نظام سوسیالیستی - کمونیستی می گردد. در نظام سوسیالیستی - کمونیستی نقش رهبری کننده افراد "گوسفندی" را دولت به دوش دارد. در این نظام مفلوک هیچ کس حق آزادی و بخصوص فعالیت اقتصادی آزاد را ندارند. همه مطیع و فرمانبردار و یا خوبتر بگویم نوکر مزد بگیر دولت هستند. بدون اجازه دولت کسی حق آب خوردن را ندارد. فرق بین ساحه خصوصی و ساحه عمومی موجود نبوده و دولت با دیدگاه ایدولوژی ماتریالیزم مارکسیستی به مسایل اقتصادی - سیاسی می نگرد و وای به جان کسی که خلاف ایدولوژی عمل نماید. بهر صورت پیشرفت و ترقی یک مملکت به عقیده من وابسته به فعالیت فردی و مشروع افراد جامعه می باشد. تا وقتی که یک شخص شور نخورد و جهت کسب موفقیت و سعادت خود فعالیت نکند امکان ندارد که مملکت به پیشرفت و ترقی نائل آید. در اخیر می خواهم مطلب خود را با گفتار "تیمور جهانگشا" خاتمه دهم. او می گوید: «پدرم از مالکین کوچک شهر «کش» بود و ما ثروت زیاد نداشتیم و من تصمیم گرفتم که بر ثروت پدری بیفزایم زیرا از "سعدی" شاعر بزرگوار پند گرفته بودم که انسان تا روزی که زنده است باید برای کسب مال و فرا گرفتن علم کوشش کند تا اینکه افراد نادان به مناسبت مال انسان را محترم بشمارند و افراد دانا به مناسبت علم و هنر احترام را واجب بدانند».

پایان